

اطلاع رسانی

نشریه فنی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

دوره هفتم؛ شماره ۱

مفهوم اطلاع (۱)

نوشته: جلال مساوات

مقدمه

مفاهیمی که دانشمندان رشته های مختلف علمی، متخصصان دانش اطلاع رسانی، متفکران و فیلسوفان برای "اطلاع" قائل شده اند زیاد و گوناگون است. "گرنوت وریگ" متخصص برجسته دانش اطلاع رسانی و استاد فعلی دانشگاه آزاد برلین (برلین غربی) در این مورد به طنز می گوید: "به تعداد متخصصانی که در زمینه "اطلاع" به بحث پرداخته و راجع به آن اظهار نظر کرده اند "مفهوم اطلاع" وجود دارد"^۱. باید دید که اینهمه اختلاف نظر درباره مفهوم اطلاع ناشی از چیست. مهمترین علل این امر را می توان به اختصار، بصورت زیر توضیح داد:

(۱) یکی از جهات قضیه این است که متخصصان و صاحب نظران از نظرگاههای مختلف به موضوع نگریسته اند. بعضی از دانشمندان و کارشناسان نیز به اقتضای رشته تخصصی خود، جهتی از مساله را برجسته کرده و جنبه های دیگر را کمتر مورد توجه و اعتنا قرار داده اند و بدینگونه هر یک از متخصصان یا هر گروه از آنان، متناسب با خواستهها و علائق خود برای اطلاع مفهوم سازی کرده اند.

(۲) مفاهیمی که تاکنون از اطلاع بدست داده شده است یا بسیار کلی و یا بسیار محدود است. آنهایی که بسیار کلی است غالباً غیر دقیق است و آنهایی که محدود است تنها در یک یا چند قلمرو علمی قابل اطلاق و پذیرفتنی است.

(۳) در دهه های اخیر، دانش اطلاع رسانی و دکومانتاسیون گسترش سریع و اهمیت فوق العاده یافت. سازمانهای دکومانتاسیون و اطلاع رسانی تقریباً در تمام کشورهای جهان بوجود آمد. اهمیت تحقیق در مبانی دانش اطلاع رسانی و "نقش" سازمانها و مراکز اطلاع رسانی و دکومانتاسیون در پیشرفتهای علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه جا مورد تایید و تاکید قرار گرفت. پروفیسور دکتر شماهل^۲ در همین مورد می گوید: "در جهان امروز مباحث

1. Gernot Wersig. Information – Kommunikation – Dokumentation. Verlag Dokumentation, Munchen – Pullach und Berlin, 1977. S. 28.

2 - Prof. Dr. H. Schmahl

و مسایل مربوط به اطلاع رسانی و دکومانتاسیون برای جامعه بشری، درست باندازه مسایلی نظیر مساله مواد خام یا مساله انرژی حایز اهمیت است.^۱ و نیز می گوید: "تکنیک جدید بدون وجود سازمانهای اطلاع رسانی و دکومانتاسیون هرگز پیشرفتهای امروزی را نمی توانسته است داشته باشد."^۲

استفاده از الکترونیک بعنوان وسیله کمکی که خیلی زود از طرف سازمانهای اطلاع رسانی و دکومانتاسیون مورد پذیرش قرار گرفت، باعث شد که تحقیق در مسایل نظری، تحقیق در مبانی و مفاهیم بنیادی دانش اطلاع رسانی نیز در مقیاس وسیعتر و جدی تری مورد توجه قرار گیرد. پس از جنگ جهانی دوم مفهوم اطلاع (در کنار مفاهیمی از قبیل سیستم، ساختار (استروکتور)، علامت (نشانه) و مانند اینها) مورد بررسیهای مفصل قرار گرفت. نظریه ریاضی ارتباطات^۳ نقطه عطفی در تکامل دانش اطلاع رسانی بوجود آورد.

ازاین پس "اطلاع" بسرعت به قلمرو همه دانشهای جدید راه یافت. امروز بجات می توان گفت که مفهوم اطلاع بر تمام کوششهای علمی و فنی زمان ما تاثیر گذاشته است. "ورزیگ" در این باره می گوید: "اگر تنها یک مفهوم باشد که در پیشرفت تمام دانشهای جدید در چندین دهه اخیر موثر بوده باشد، آن مفهوم، مفهوم اطلاع است."^۴

بعلت پیشرفت سریعی که دانش اطلاع رسانی در دهه های اخیر پیدا کرد و نفوذ فوق العاده ای که "اطلاع" در فاصله ای اندک که در همه دانشهای جدید بدست آورد، با وجود تحقیقات بسیار، تاکنون مفهومی از اطلاع بدان نحو که از هر جهت دقیق و در تمام رشته های علم و معرفت امروز قابل اطلاق باشد بدست داده نشده است. بعبارت دیگر هنوز از اطلاع، مفهومی که باصطلاح جامع و مانع باشد و برای همه متخصصان رشته های مختلف علم و معرفت و برای همه اذهان پرسنده و جستجوگر "الزام آور" باشد، بوجود نیامده است.

با این همه، کوشش در روشن کردن هر چه بیشتر مفهوم اطلاع ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. این امر بجهت اهمیتی است که موضوع بطور کلی و بخصوص در دانش اطلاع رسانی دارد. اطلاع یکی از قدیمی ترین مفاهیم مربوط به روابط انسانها با یکدیگر است و همان قدر قدیمی است که تاریخ شناخت انسان از خود و از طبیعت و از جامعه ای که در آن زندگی می کند، قدمت دارد. بشر در طول حیات خود همواره با اطلاع سرو کار داشته و به معنی واقعی کلمه همه حواس و وجود او تحت تاثیر دائمی آن قرار دارد. "استین یوخ" فیزیکدان برجسته آلمانی می گوید: "اطلاع آغاز جامعه و

^۳۲ - نگاه کنید به مقاله: "موسسه اقتصاد جهانی هامبورگ (HAWA) و بخشهای دکومانتاسیون، کتابخانه، و آرشیو آن" نوشته نگارنده در: اطلاع رسانی نشریه فنی مرکز اسناد و مدارک علمی، دوره ششم، شماره ۱ و ۲ (۱۳۶۱) صفحه ۹۸.

^۳ - The mathematical theory of communication.

5- Gernot Wersig. Information – Kommunikation – Dokumentation, S,25.

مبنای آن است.^۱ در دانش اطلاع رسانی چنانکه از نام آن پیداست "اطلاع" مقوله اساسی آن است. مفهوم اطلاع مرکز اصلی تحقیقات در دانش اطلاع رسانی و دکومانتاسیون بشمار می آید. بعضی از متخصصان اعتقاد دارند که کوشش در روشن کردن مفهوم اطلاع اگر مهمترین وظیفه تحقیق در دانش اطلاع رسانی نباشد مرکزی ترین وظیفه آن است. بعضی گفته اند که تحقیق در دانش اطلاع رسانی بطور کلی عبارتست از ک (۱) تحقیق در مفهوم اطلاع، (۲) تحقیق در فرآیند اطلاع (بمنظور ذخیره و بازیابی اطلاعات). و بعضی گفته اند که اصولاً تحقیق در دانش اطلاع رسانی دارای سه حوزه مشخص است: (۱) بررسی در ماهیت و کیفیت و خصوصیات اطلاع، (۲) بررسی نظامها (سیستمها) ی اطلاع رسانی، (۳) بررسی تکنیکهای اطلاعاتی.^۳

شاید بعضی بگویند که پرداختن به مفهوم اطلاع صرفاً دارای جنبه نظری است و فعالیتهای علمی اطلاع رسانی و دکومانتاسیون می تواند تا حدود زیادی از آن بی نیاز باشد. باید دانست که نظر و عمل هیچگاه از هم جدا نیست. بدون مبانی محکم نظری، کار عملی ثمر بخشی درخشان نخواهد یافت و البته نتایج عملی نیز به نوبه خود به استحکام موازین و مبانی نظری یاری تواند کرد. در دانش اطلاع رسانی، هر چند که در بعضی دوره ها و در بعضی از کشورها گاه به جنبه های نظری مسایل و گاه به جنبه های عملی تکیه بیشتری شده است،^(۱) اما بطور کلی این دو جنبه همیشه در کنار هم مورد توجه بوده است.

بررسی و تحقیق در مفهوم اطلاع برای فعالیتهای عملی اطلاع رسانی نیز بهیچوجه کم اهمیت نیست. هر چه این مفهوم روشن تر و دقیق تر شود امکانات و توانایی های فعالیت های عملی اطلاع رسانی مشخص تر و شناخته تر خواهد شد.^(۲)

کلمه اطلاع دارای خصلت دو معنایی است: نخست اینکه یکنوع فعالیت را می رساند که می توان آن را "فعالیت اطلاعاتی" یا "فرآیند اطلاعاتی" نامید (اطلاع در معنای فرآیند مجموع اعمالی را براساس نقشه و هدفی معین شامل می شود که آن اعمال عبارتند از: گردآوری، آماده سازی، ذخیره، بازیابی، و اشاعه و تعمیم اطلاعات). دیگر آنکه موضوع و یا محتوای این فعالیت (با این فرآیند) را می رساند و این همانست که ما در این مقاله و مقالات بعدی می خواهیم به آن بپردازیم.^(۳)

در این مقالات، ما سعی می کنیم مهمترین، معروفترین و "جا افتاده ترین" مفاهیم اطلاع را مورد بررسی قرار دهیم. نخست به بررسی چند مفهوم از مفاهیم اطلاع در "فرآیند انتقال پیام" می پردازیم، سپس مفاهیم دیگری از اطلاع (از جمله مفهوم اطلاع در ارتباطات و در نشانه شناسی^۴ و مفهوم اطلاع در نظریه ریاضی ارتباطات) را مورد مطالعه قرار می دهیم و در پایان به بررسی مفاهیم اطلاع در دانش سیرنیتیک خواهیم پرداخت.

^۱ - Karl Steinbucn. Die informierte Gesellschaft. Rowohlt verlag, Stuttgart, 1976.S.31

2- Prozess = Process

3- Siegfride Reball. "Ansätze zu einer semiotischen Informationstheorie" Informatik, 1/77. S. 11-17.

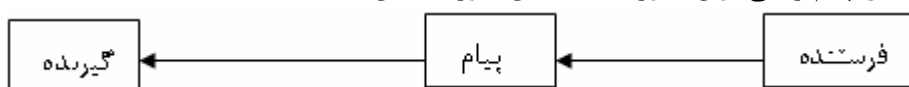
31 Semiotik - Semiotics

در این مقالات هر چند که اساس کار خود را بر اختصار قرار داده‌ایم، لکن در بعضی از موارد برای روشن شدن مفهوم مورد نظر، از ذکر توضیحات لازم (چه در متن و چه بصورت یادداشتها در پایان هر مقاله) خودداری نکرده ایم. همچنین همه جا پیوند مطالب را با موضوعها، مباحث و مسایل مختلف دانش اطلاع رسانی و دکوماناسیون متذکر شده ایم.

باید توجه داشت که بعضی از مفاهیم که دانشمندان برای اطلاع قائل شده اند و ما در این مقالات به بررسی مهمترین آنها می پردازیم، با وجود تفاوتی، در عمق بهم نزدیکند و یا با کمی تغییر می توان آنها را به هم نزدیک کرد. به این نکته نیز در موارد لازم اشاره کرده ایم.

مفاهیم اطلاع در "فرایند انتقال پیام"

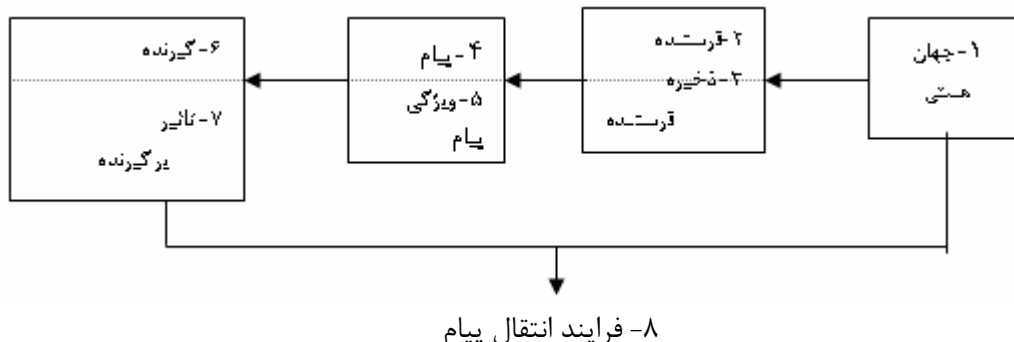
فرایند انتقال پیام را می توان بطور ساده به این صورت نشان داد:



بر طبق این نمودار پیام از فرستنده به گیرنده انتقال می یابد.

اما با کمی دقت معلوم می شود که قضیه به این سادگی هم نیست. غیر از سه "واحد" فرستنده، پیام، و گیرنده بطور کلی پنج عامل یا واحد دیگر هستند که در فرایند انتقال پیام دخالت اساسی دارند و "نقش" آنها در این فرایند نمی توان نادیده گرفت. این عوامل یا واحدها را بشرح زیر می توان ذکر کرد و توضیح داد:

- ۱) طبیعی است که فرستنده، اندوخته و ذخیره ای از پیامها دارد که هر بار یک یا چند تا از آنها را انتخاب کرده برای گیرنده می فرستد. این واحد را "واحد ذخیره" می نامیم.
- ۲) اندوخته فرستنده چگونه به دست می آید؟ - از "جهان هستی" و جهان هستی منبع بزرگ همه نوع پیام است. پس عامل دوم "جهان هستی" است.
- ۳) هر پیام دارای چگونگی و کیفیت خاصی است: ویژگی پیام
- ۴) پیام که بوسیله گیرنده دریافت شد بهر نحو تاثیر و تغییری در او بوجود می آورد که در عکس العملی که او پس از دریافت پیام از خود نشان می دهد بروز می کند: عامل تاثیر. بنابراین، فرایند انتقال پیام، بطور کلی با هشت عامل یا واحد سرو کار داریم: ۱) جهان هستی، ۲) فرستنده، ۳) ذخیره فرستنده، ۴) پیام، ۵) ویژگی پیام ۶) گیرنده، ۷) عامل تاثیر برگیرنده و ۸) فرایند انتقال پیام. این هشت واحد را می توانیم بصورت نمودار زیر که البته از نمودار قبل دقیقتر است، نشان دهیم:



بر اساس هر یک از این عوامل، یک یا چند مفهوم برای اطلاع قائل شده اند، یعنی یکدسته از مفاهیم اطلاع بدینصورت تشکیل یافته است. ما در اینجا چند مفهوم از این گروه مفاهیم را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم:

۱- مفهوم کلی اطلاع

گفتیم که جهان هستی منبع اصلی همه نوع پیام است. ساخت جهان هستی پیام ساز است. اشیاء و پدیده های جهان بطور دائم درتغییر و دگرگونی هستند و با یکدیگر ارتباط دارند. اطلاع محتوای ارتباط بین اشیاء و امور و پدیده های جهان هستی (اعم از طبیعی و اجتماعی و غیره) است. هر پدیده‌ای، هر رویدادی، هر وضعیتی و هر تغییری در جهان هستی می تواند اطلاع "تولید" کند. فرض کنید دوستی به ما می رسد و می گوید: "خانه". کلمه خانه برای ما حاوی آنقدر اطلاع است که خانه را که یک مفهوم عام است از سایر اجسام و موجودات (نظیر اسب، مغازه، باغ و غیره) جدا می کند ولی البته حاوی اطلاع مشخصی نیست. دوست ما ادامه می دهد و می گوید: "خانه حسن" در اینجا "خانه" در ارتباط با نام معین (حسن) قرار می گیرد ولی "خانه حسن" هنوز حاوی اطلاع مشخصی نیست، اما اگر دوست ما بگوید: "خانه حسن کنار موزه مردم شناسی است" رابطه بین "خانه حسن" و "موزه مردم شناسی" بوسیله کلمه "کنار" بیان شده است و این اطلاع است. پس ابتدا خانه از سایر چیزها مشخص شد، سپس با استفاده از رابطه موجود بین "خانه" و "حسن" آن را از سایر خانه ها جدا کردیم و بالاخره در مرحله سوم با استفاده از رابطه موجود بین "خانه حسن" و "موزه مردم شناسی" به یک اطلاع مشخص رسیدیم.

اطلاع در مفهومی که ذکر شد بصورت‌های مختلف از جمله بصورت‌های زیر در می آید:

- رابطه بین موضوعهای عینی و نیز موضوع هر چیز (از هر نوع که باشند: از اتم تا ستاره) را آشکار می کند: مداد روی میز است. باغ سیب بیرون دهکده قرار دارد. اهواز در جنوب ایران واقع است. عطارد نزدیکترین سیاره به خورشید است.
- دگرگونی (تغییر حالت)، و نیز رویدادها را آشکار می کند: گیلاسها شکوفه کردند. آتش سرد شد. سارا از درخت پرید. حسن پیر شد. کوه ریزش کرد. محمود زن گرفت.

- حالت، صفت و کیفیت اشیاء و امور را نشان می دهد: گل ریباست. پرویز مهربان است. محسن دانااست. سنگ جامد است. هوا خوش است. اتاق سرد است. آسمان امروز تیره است.

- بیان خاصیت اشیاء و امور است: فلزات هادی برق حرارتند. آسپرین مسکن است. تنفس در هوای پاک فرحبخش است.

- مربوط به وجود و هستی است (رابطه هستی با نیستی): در شمال دشتهای خرم و سرسبز وجود دارد. در جنگلهای ایران شیر وجود ندارد. سکینه درگذشت.

- مربوط به داشتن و نداشتن (ملکیت و عدم ملکیت) است: رضا خانه شخصی ندارد. تقی پولدار است. اکنون برگردیم به مثالی که در آغاز ذکر کردیم: در مثال "خانه حسن کنار موزه مردم شناسی است" اگر مثلاً موزه مردم شناسی به محل دیگری انتقال یابد در رابطه موجود بین خانه حسن و موزه مردم شناسی تغییری بوجود آمده است. آنوقت برای بیان چنین منظوری باید از رابطه خانه حسن با چیزهای دیگر استفاده کرد. مثلاً بدینگونه: "خانه حسن رو به روی انجمن انفورماتیک ایران است". بدیهی است که بین اجسام و پدیده ها رابطه های بسیار گوناگون وجود دارد و برای بازگو کردن این یا آن منظور، هر بار باید مناسب ترین رابطه را انتخاب کرد و مورد استفاده قرار داد.

رابطه خانه حسن و موزه مردم شناسی و اقعیتی است که خارج و مستقل از ذهن ما وجود دارد. اگر ما این اطلاع را هم کسب نمی کردیم خانه حسن کنار موزه مردم شناسی قرار داشت. اگر روزی از جنگلی عبور کنیم و ببینیم که در آن، آهوی وحشی وجود دارد اطلاع حاصل کرده ایم که در این جنگل آهوی وحشی هست، اما پیش از اطلاع ما نیز آهوی وحشی در این جنگل بوده است و ما، فقط به آن پی برده ایم. بعضی از پدیده ها نه تنها قبل از اطلاع ما از وجود آنها، بلکه حتی از زمانی بسیار دورتر از آن وجود داشته است. مثلاً شعرای یمانی ستاره ای بهمراه دارد (شعرای یمانی "ب" که اول با فردریش ویلهلم بسل منجم آلمانی به وجود آن پی برد (۱۸۴۴) و در سال ۱۸۶۲ با دوربین نجومی مشاهده شد. بدیهی است هزاران سال پیش از آنکه بشر به این اطلاع دست یابد و حتی پیش از اینکه بشر بر روی زمین ظاهر گردد این ستاره وجود داشته است.

بهر جهت، وجود اشیاء و پدیده ها و وجود رابطه بین آنها هرگز تابع آن نیست که از آن اطلاع حاصل کرده باشیم. بی اطلاعی ما از این رابطه ها و نسبت ها نه دلیل عدم آن اشیاء و پدیده ها و نه دلیل عدم رابطه بین آنها است. اول رابطه هست بعد ما از آن اطلاع حاصل می کنیم، بعبارت دیگر وجود ارتباط و وقوع حادثه بر اطلاع ما تقدم زمانی دارد.^(۴)

با اینهمه، قضیه به این سادگیها هم نیست. درست است که رابطه بین اشیاء و پدیده ها تابع اطلاع ما نیست و مستقل از ذهن و فکر ما وجود دارد اما بشر پس از اطلاع از این رابطه، در بسیاری از موارد می تواند بر آن تاثیر بگذارد.

در این اطلاع که: "درخت سیب کنار چشمه شکوفه کرده است" دقت کنیم: درست است که این درخت پیش از اطلاع ما در کنار چشمه روئیده و شکوفه نیز کرده است ولی اگر ما پیش از این از وجود آن اطلاع پیدا کرده بودیم ممکن بود "سرنوشت" آن بصورت دیگری درآید: شاید ما با تقویت،

رسیدگی و مراقبت مستمر باعث شکوفایی بیشتر آن می شدیم، بنحوی که اکنون دهها درخت سیب دیگر نیز در کنار آن شکوفه کرده بود. شاید با تبری چنان آن را قطع می کردیم که هرگز به شکوفه کردن نمی رسید.

مثالی دیگر: فرض کنید در دریاچه "آ" انواع زیادی از ماهیها وجود دارد. وجود دریاچه و وجود ماهیها در آن تابع اطلاع بشر نیست اما اگر بشر این اطلاع را حاصل نکند شاید این ماهیها پس از مدتی در نتیجه عوامل نامساعد بکلی از میان بروند و یا فقط یکی دو نوع از آنها باقی بماند و اگر بشر این اطلاع را حاصل کند شاید برای دوام آنها دست به اقداماتی بزند که تا زمانهای دراز باقی بمانند و انواع دیگری نیز به آنها اضافه شود.

می توان گفت که انسان اصولاً اطلاعات را کسب می کند تا آنها را به خدمت خود گیرد و از آنها در راه رسیدن به اغراض و هدفهای خود استفاده کند. همین تلاشها بنوبه خود اطلاع "تولید" میکنند. پس تنها طبیعت نیست که منشاء و منبع اطلاع است، زندگی اجتماعی ما نیز اطلاع تولید می کند. تحقیقات علمی، خود، اطلاع تولید می کند. تمام تلاشهای گروهی و جمعی انسان برای زندگی بهتر اطلاع تولید می کند. خلاصه زندگی اجتماعی بشر در کنار طبیعت دو منشاء بزرگ تولید اطلاعند. با هر اطلاع چیزی بر محتوای ذهنی ما افزوده می شود و رابطه جدیدی بین دنیای ذهنی ما و عالم خارج برقرار می گردد. علوم نیز غالباً "اطلاعات در اختیار ما می گذارند. مثلاً فیزیک این اطلاع را در دسترس ما قرار می دهد که وزن مخصوص طلا ۱۹/۳۲ است یعنی نسبت وزن هر قطعه طلا به وزن آن هم حجمش ۱۹/۳۲ است.

اکنون که اطلاع را بعنوان محتوای ارتباط بین اشیاء، امور و پدیده های جهان هستی شناختیم بینیم براساس این مفهوم، اطلاع را به چند نوع می توان تقسیم کرد.

گفتیم که جهان هستی منبع و منشاء اصلی اطلاع است. از آنجا که موجودات جهان هستی را می توان به دو دسته جاندار و بی جان تقسیم کرد، برای اطلاع نیز بر همین اساس می توان تقسیماتی قائل شد:

- اطلاع ابتدائی (در حوزه طبیعت بی جان)

- اطلاع زیست شناختی (در گیاهان، در جانوران و در حوزه زیست شناختی انسان)

- اطلاع منطقی یا معنایی (در حوزه شعور آدمی و در حوزه جامعه انسانی)

اطلاع معنایی خاص انسان (شعور انسان) و جامعه انسانی است و غالباً در سخن شفاهی و کتبی متحقق می شود. اطلاع معنایی یا انفرادی است یا نهادی^۱. اطلاع انفرادی در چهارچوب شخصی و انفرادی است که تفاوت دارد با اطلاع نهادی که در فرآیند کار اجتماعی بدست می آید.

بعضی گفته اند که هر گاه اطلاع نهادی در زمینه (زندگی روزمره - اجتماعیات و سیاست) باشد "خبر" است ولی این تعریف و تقسیم بندی مورد توافق همگان نیست و بسیار کمند افراد و گروههایی که در گفته ها و نوشته های خود بطور جدی آن را مراعات می کنند. بعضی از متخصصان در تعریف خبر گفته اند که: "خبر محتوای اطلاع است" و بعضی خبر را به معنای عام کلمه بکار می برند یعنی هر

1. Institutionell.

نوع اطلاعاتی را که کسب می شود خبر می خوانند. عده ای از متخصصان گفته اند که اطلاع در مفهوم عام (مثلاً در وسایل ارتباط جمعی) خبر است و در مفهوم خاص اطلاع. اما عموماً مردم و حتی متخصصان تفاوتی بین "خبر" و "اطلاع" را براحتی "نظریه خبر" نیز می خوانند.^(۵) از این قضیه که بگذریم، اطلاع نهادی را به دو دسته عمده باید تقسیم کرد: "اطلاعات علمی" و "اطلاعات غیر علمی".^(۶)

"اطلاعات علمی" موضوع دانش اطلاع رسانی است. مفهوم کلی اطلاع را "مفهوم فلسفی" آن نیز می نامند. بسیاری از متخصصان و صاحب نظران مفهوم فلسفی اطلاع را زیاد کلی و غیر دقیق دانسته اند و آن را چندان قابل پذیرش نمی دانند. مفهوم فلسفی اطلاع در بسیاری از دانشهای جدید امروز نیز بسختی ممکن است کاربردی داشته باشد.

۲- اطلاع برابر "دانایی" است

یکی از عوامل یا واحدهایی که در فرآیند انتقال پیام ذکر کردیم واحد "ذخیره فرستنده" بود. این ذخیره، ذخیره چیست؟ - ذخیره "مجموعه دانسته ها"ی فرستنده است. فرستنده هر بار تنها از این ذخیره (از مجموعه دانسته های خود) است که می تواند یکی را انتخاب کند و برای گیرنده معین و گیرنده آنچه را که دریافت می کند از دانسته های فرستنده است که دریافت می کند (و با این دریافت چیزی به مجموعه دانسته های خود می افزاید). پس می توان گفت که اطلاع یافتن همان دانستن است و اطلاع برابر دانایی است.

بسیاری از متخصصان و صاحب نظران، این مفهوم را برای اطلاع قابل پذیرش ندانسته و انتقادات بسیار به آن وارد کرده اند. اینان گفته اند که: اطلاع البته با دانایی مربوط است ولی عین آن نیست، چنانچه اطلاع با دانش نیز مربوط است ولی با آن یکی نیست. پیداست که هر چه دانش انسانی بیشتر پیشرفت کند، اطلاعات کسب شده بوسیله انسان نیز بیشتر، کاملتر و دقیقتر خواهد شد ولی این دلیل نیست که اطلاع را با دانش یکی بگیریم. بهمین قسم، اطلاع را با دانایی نیز نمی توان یکی انگاشت. علاوه بر این، از آنجا که مفهوم دانایی خود دقیق و روشن نیست یکی دانستن مفهوم اطلاع با آن جز ابهام و تیرگی چیزی به دست نمی دهد. اطلاع در این مفهوم با اطلاع مفاهیم دیگر تداخل پیدا می کند و حد و مرز آن با مفاهیم علم (دانش)، معرفت (شناسایی)، ادراک، یادگیری و نظایر اینها، در هم می ریزد. خلاصه آنکه این مفهوم "کشدار" و "لغزنده" است و نمی توان آن را دقیقاً پذیرفت.

البته در برابر این منتقدان، متخصصان و صاحب نظران دیگری هستند که اطلاع را در این مفهوم کاملاً درست و قابل قبول می دانند و صریحاً اعلام می کنند که مفهوم اطلاع همان مفهوم دانایی است. و البته باید دانست که اطلاع در مفهوم دانایی در بعضی از مباحث علمی جدید واقعاً قابل پذیرش است و کاربرد دارد مثلاً در "نظریه تصمیم گیری" و در "نظریه بازی ها"^(۷) بعضی از محققان نیز که یکی بودن مفهوم اطلاع و مفهوم دانایی را پذیرفته اند، برای رفع ایرادات وارد انتقادکنندگان، کوشیده اند که مفهوم مزبور را اصلاح و تکمیل کنند. بعضی از آنان گفته اند که اطلاع "تغییر دانایی" است^(۸) و بعضی

با توجه به "کشداری بودن مفهوم دانایی پذیرفته اند که هر دانایی اطلاع نیست و اطلاع تنها نوعی از دانایی است. اینان بر این اساس کوشیده اند که مرز مشخصی به دست دهند تا از طریق آن معلوم باشد که کدام دانایی اطلاع است و کدام دانایی اطلاع نیست. برای روشن شدن موضوع، نخست باید ببینیم که تعریف دانایی چیست:

در فرهنگ فلسفی "کرونر" در تعریف "دانایی" آمده است: "دانایی حاصل تجربه (تجربه بمعنی عام) و بصیرت فرد است."^۱ بعضی گفته اند که: "دانایی تمام تجربیات فرد است باضافه آنچه فرد بوسیله خود و در درون خود کسب میکند." از نظر "فیچر": "دانایی مکتسبات فرد است و از تمام آنچه بشر در طول تاریخ بعنوان حاصل فرآیند شناخت اجتماعی برای خود ذخیره کرده است."^۲

"هورمان" در کتاب "روانشناسی زبان" با الهام از دانش سیبرنتیک می گوید: "دانایی تمام آن چیزهایی است که فرد از جهان بیرون اخذ کرده است، پس دانایی الگوی جهان خارج است در درون فرد."^۳ در این تعاریف و تعاریف دیگر که مشابه آنهاست، مفهوم دانایی در واقع تمام تاثیراتی را که از جهان خارج در مغز ذخیره شده است و حتی قسمتی از فعالیتهای عالی مغزی را شامل می شود.^(۹) پیداست که بدین قرار نمی توان انکار کرد که هر دانایی اطلاع نیست، اما می توان مطلب را به این صورت بیان کرد که: هر اطلاع دانایی است ولی هر دانایی اطلاع نیست (نسبت عموم و خصوص مطلق در منطق، یا طبقه و زیر طبقه در طبقه بندی مفاهیم).

اکنون آیا میتوان معلوم کرد که کدام دانایی اطلاع است و کدام نیست؟

به تقسیم بندی هایی که از "دانایی" صورت گرفته است رجوع کنیم:

دانایی را گاه به اعتبار نحوه کسب آن تقسیم کرده اند و آن را عموماً سه نوع دانسته اند: ما تقدم (مقدم به تجربه)^۴

تجربی، و منطقی. گاه نیز آن را بر اساس هدفهای کاربردی آن تقسیم کرده و غالباً آن را دو نوع دانسته اند: دانایی مربوط به "رویداد" ها و دانایی مربوط به غیر رویدادها.

بدین قرار گفته اند که اطلاع همان دانایی است منتهی آن بخش از دانایی که مربوط به امور واقع و رویدادها است. بعبارت دیگر، مفهوم اطلاع، همان مفهوم دانایی (در محدوده رویدادها) است. مثلاً دانایی هایی از قبیل: محسن بیمار شد. اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد. هوا سرد شده است. جمعیت ایران نزدیک چهل میلیون نفر است، و مانند اینها همه اطلاع است و دانایی هایی جز این دست اطلاع نیست.

1- Georgi Sehischkoff, Philosophisches Worterbuch. 19. Aufl. Alfrde Kroner Verlag, Stuttgart, 1974. S. 715.

2- W. Feitscher. "Zur Abgrenzung zwischen Information und Dokumentation".

3- H.Hormann. Psychologie der Sprache . Berlin- Heidelberg-New york 1975. S.39-40

1. aprioriscn = a priori

بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران معتقدند که مفهوم "اطلاع برابر دانایی" در این شکل اصلاح شده و تکامل یافته، کاملاً قابل دفاع است و با مفاهیم علم (دانش)، معرفت (شناسایی)، ادارک، یادگیری و نظایر اینها نیز بهیچوجه تداخل پیدا نمی‌کند.

اما بعضی از منتقدان بر این مفهوم نیز انتقادات و ایرادهای بسیار وارد کرده‌اند و اصولاً بحث و انتقاد راجع به یکی دانستن مفهوم اطلاع و دانایی چه در شکل کلی آن و چه در صورتهای اصلاح شده و دقیقتر آن، آنقدر مفصل است که خود می‌تواند موضوع رساله مستقلی قرار گیرد و این مقاله طبعاً بیش از این حوصله پرداختن به آن را ندارد.

۳- مفهوم روانشناختی اطلاع

یکی از عواملی که در فرآیند انتقال پیام قائل شدیم عامل "تاثیر برگیرنده" بود. تاثیر برگیرنده، چه تاثیری است؟ - تاثیری است که حالات ("نه - دانی" - نایقینی - نامعینی - نامطمئنی - تردید، و دودلی) گیرنده را از میان می‌برد یا کاهش می‌دهد. این، مفهوم اطلاع است. برای توضیح مطلب، نخست لازم است مفهوم "وضعیت‌های مساله‌ای" را روشن کنیم:

وضعیت‌های مساله‌ای - وضعیت مساله‌ای، همان اختلاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. وضعیت مساله‌ای، آن کشمکش است که بین وضع موجود و وضعی که می‌خواهیم ایجاد کنیم - "هدف" - وجود دارد. در وضعیت مساله‌ای، فرد با موقعیتی روبرو می‌گردد که راه حل از پیش آماده و حاضر (چه طبیعی و سرشتی و چه اکتسابی) برای آن ندارد. هرگاه دانایی یک فرد (یا یک گروه) برای رسیدن به هدفی که در پیش دارد کافی نباشد وضعیت او، وضعیت مساله‌ای است.

وضعیت‌های مساله‌ای از دیر باز در فلسفه، منطق و روش‌شناسی مورد توجه و تحقیق بوده و فیلسوفان و دانشمندانی مانند دموکریت، افلاطون، ارسطو، دکارت، لیبنیتس، کانت و فیلسوفان حلقه وین و دیگران، در آن به تامل پرداخته‌اند. از نظر غالب فیلسوفان، وضعیت‌های مساله‌ای، مشخصه حوزه دانایی و نادانی فرداست.^(۱۰)

شناخت وضعیت‌های مساله‌ای، تجزیه و تحلیل وضعیت، تشخیص مراحل کار و اتخاذ بهترین روش برای حل آن، مشخصه اساسی هر نوع تحقیق اصیل علمی است. در دانش اطلاع‌رسانی، آنچه را که "نیازهای اطلاعاتی" می‌خوانیم اصولاً از همین وضعیت‌های مساله‌ای ناشی می‌شود. هرگاه وضعیت مساله‌ای موجود باشد و برنامه مشخصی برای حل آن نداشته باشیم، وضعیت مساله‌ای (نایقینی، نامعینی، نامطمئنی، تردید و دودلی) بوجود می‌آورد. اطلاع آن چیزی است که این حالات را برطرف میکند یا آنها را تقلیل می‌دهد.

اما قضیه کمی پیچیده‌تر از این است: در وضعیت مساله‌ای، مشکل کار از دو طریق می‌تواند برطرف شود یا تقلیل یابد:

۱) در داخل ارگانیزم (از طریق تفکر، تعمق، بخاطر آوردن و مانند اینها). در اینجا فرد در جهان درونی خود به فعالیت می افتد و مشکل را سرانجام بنحوی برای خود حل می کند.

۲) از خارج و از محیط اطراف بوسیله اطلاع. در اینجا فرد از طریق ارتباط با دیگران، مشکل را حل می کند و یا آن را تقلیل می دهد. یعنی فرد برای اینکه از وضعیت مساله ای درآید با دیگران ارتباط برقرار میکند^(۱۱)

اطلاع برطرف کردن یا کاهش نه - دانی، نایقینی، نامعینی، نامطمئنی، تردید و دودلی است از طریق برقراری ارتباط با دیگران، این ارتباط عمدی و آگاهانه صورت می گیرد یعنی شخص به وضعیت مساله ای خود واقف است و آگاهانه می کوشد تا از طریق ارتباط آن را برطرف کند یا تقلیل دهد.

فرض کنید که شما نشانی شرکتی را در دست دارید و می خواهید با اتوبوس به آنجا بروید ولی محل و خیابانی که آن شرکت در آن قرار دارد نمی شناسید و اصولاً نمیدانید برای رفتن به آنجا چه اتوبوسی باید سوار شوید. این، وضعیت مساله ای است. حال دو صورت دارد: ۱- شما در گذشته های دور یکی دو بار به آن شرکت رفته اید یا از محل و خیابان مربوط به آن یک یا چند بار گذشته اید. در اینصورت، ممکن است بتوانید مساله را با خود و در درون خود از طریق تعمق و تفکر و یادآوردن خاطرات و قرائن و امارات مربوط به آن حل کنید و بدون پرسش از کسی با کمی زحمت و صرف وقت خود را به شرکت مورد نظر برسانید. ۲- اما اگر هیچوقت به آن محل و منطقه نرفته باشید و هیچگونه تصور روشنی از آن نداشته باشید، راهی نیست جز اینکه از طریق ارتباط با "دیگری" (استفاده از نقشه شهر، استفاده از راهنمای خطوط اتوبوسرانی و مانند اینها هر یک نوعی ارتباط با "دیگری" است) مساله را حل کنید. نخست کسی به شما می گوید برای منظوری که دارید این خط اتوبوس را باید سوار شوید و در ایستگاه فلان پیاده شوید. تا اینجا بخشی از مشکل شما حل شده است. سوار اتوبوس میشوید ولی هنوز نمی دانید ایستگاهی که باید پیاده شوید کدام ایستگاه است و کی به آن می رسید. دوباره با دیگران ارتباط برقرار می کنید. راننده (یا کمک راننده) یا یکی از مسافری، بموقع به شما می گوید: " آقا (اینجا همان ایستگاهی است که شما می خواهید پیاده شوید." و این اطلاع شما را از وضعیت مساله ای در می آورد چرا که بقیه کار دشوار نیست. اکنون جایی که پیاده شده اید کمی این طرفتر یا آن طرفتر خیابانی است که شرکت مورد نظر شما در آن واقع است و می توانید با توجه به شماره پلاک شرکت، آن را براحتی پیدا کنید.^(۱۲) در اینجا "اطلاع". شما را از وضعیت مساله ای بیرون آورده است. این مفهوم اطلاع را بجهت مناسبت آن با دانش روانشناسی، مفهوم روانشناختی اطلاع نامیده اند. مثال دیگر: فرض کنید رئیس اداره نمی داند که فلان کارمند او فارغ التحصیل چه رشته ای است. و باز فرض کنید که هم اکنون به آن احتیاج فوری دارد. این وضعیت، وضعیت مساله ای است. حال اگر رئیس قبلاً می دانسته که کارمند مورد نظر فارغ التحصیل چه رشته ای است و اکنون به یاد نمی آورد ممکن است بتواند با کمی تامل و تفکر و یادآوری خاطرات و رجوع به سوابق ذهنی خود، بوسیله خود و بدون کمک از خارج، مشکل را حل کند. در غیر اینصورت تنها "اطلاع" است که او را از این وضعیت بیرون می آورد بهر وسیله که این اطلاع کسب شود اعم از تماس تلفنی با کارمند مورد نظر، مراجعه به

کارگزینی، پرسش از همکاران نزدیک آن کارمند و هر وسیله دیگر تفاوتی نمی‌کند. در این مورد آنچه رئیس را از وضعیت مساله‌ای بیرون می‌آورد اطلاع است. وضعیت‌های مساله‌ای یا بالفعل وجود دارند یا بالفعل وجود ندارد. دو مطلب در این زمینه، دارای اهمیت اساسی است:

(۱) مفهوم اطلاع تمام وضعیت‌های مساله‌ای بالفعل را در بر نمی‌گیرد. چنانچه دیدیم آن وضعیت‌های مساله‌ای که آنها را می‌توان "درخود" و "باخود" حل کرد نیازی به "اطلاع" ندارد و مربوط به مفهوم اطلاع نیست (وضعیت خانم خانه‌داری که تعدادی مهمان سرزده برای او می‌رسد وضعیت مساله‌ای است ولی آن می‌تواند با کمی فکر و در نظر گرفتن تعداد مهمانها و آنچه در خانه موجود دارد مساله را خودش با خودش بنحوی حل کند، چیز مناسبی بپزد و بگذارد جلوی مهمانها).

(۲) اطلاع شامل بسیاری از وضعیت‌های مساله‌ای بالفعل وجود ندارد نیز می‌شود. انسان می‌تواند وضعیت‌های مساله‌ای را "تقلید" کند. لازم نیست که وضعیت‌های مساله‌ای حتماً در عمل و در زندگی روزمره او پیش بیاید. انسان می‌تواند در ذهن خود وضعیت‌های مساله‌ای را بسازد و برای حل آن برنامه‌هایی تدارک ببیند (مثلاً پیش خود می‌گوید: "چه خواهم کرد اگر...؟"). اگر وضعیت‌های مساله‌ای را به آنچه بالفعل وجود دارند، محدود کنیم معنایش اینست که بخش مهمی از فعالیت‌های علمی و ذهنی بشر را حذف کرده‌ایم. امروز مراکز اسناد و مدارک و سازمانهای دکومانتاسیون و اطلاع‌رسانی پیشرفته در کارگردآوری، آماده‌سازی و ذخیره‌مدارک تنها وضعیت‌های مساله‌ای بالفعل و موجود استفاده‌کنندگان را در نظر نمی‌گیرند، بلکه وضعیت‌های مساله‌ای بالقوه و نیازهایی را که یكروز بوجود خواهد آمد و تظاهر پیدا خواهد کرد، نیز منظور می‌کند. مفهوم روانشناختی اطلاع، مفهومی است که "بحث و جدل" در مورد آن نسبتاً کم است. گروه‌های وسیعی از متخصصان از دیرباز این مفهوم را برای اطلاع پذیرفته و بسیاری از آنان این مفهوم را از میان مفاهیم موجود مناسب‌ترین مفهوم برای دانش اطلاع‌رسانی و دکومانتاسیون دانسته‌اند. (۱۳)

بعضی از منتقدان، در گذشته، از "خطر" تداخل این مفهوم با مفهوم یادگیری و با مفهوم ادراک و غیره - اما بخصوص از "خطر تداخل بزرگ" آن با مفهوم یادگیری - سخن گفته‌اند. لکن باید دانست که مفهوم روانشناختی اطلاع آنگونه که ما آن را در اینجا مورد مطالعه و بررسی قرار دادیم، پس از اصلاحات و کوششها و نکته‌سنجیهای فراوان در زمانی دراز به اینصورت در آمده است و در این شکل می‌توان گفت که بسیاری از انتقادات و ایرادات سابق به آن وارد نیست.

بعضی از متخصصان کوشیده‌اند که بر اساس مفهوم روانشناختی اطلاع، از فرآیند ارتباطی نیز مفهوم تازه‌ای بدست دهند. آنان گفته‌اند که: "فرآیند ارتباطی، تنها در صورتی حاوی اطلاع است که بتواند (نه - دانی، نایقینی، نامطمئنی، تردید، و دودلی) گیرنده را برطرف کند یا تقلیل دهد. (۱۴)

اکنون برگردیم به آغاز همین مقال. شروع مطلب این بود که در فرآیند انتقال پیام، یکی از عوامل عامل تاثیر برگزیده پیام است. از مفهوم تاثیر برگزیده پیام دو نتیجه می‌توان بدست آورد:

الف) اینکه فرآیند انتقال پیام فرآیندی کاملاً هدفدار و جهتدار و طرحریزی شده است.
ب) اینکه اطلاع باید "نو" باشد و گرنه برگیرنده تأثیری را که منظور نظر است. نخواهد گذاشت. این دو نتیجه برای دانش اطلاع رسانی جایز اهمیت اساسی است.

در پایان این مبحث، از بیان یک مطلب دیگر در زمینه مفهوم روانشناختی اطلاع ناگزیریم. این مطلب فوق العاده اهمیت دارد و بدون آن نمی توان بحث راجع به مفهوم روانشناختی اطلاع را (هر چند هم که این بحث فشرده و مختصر صورت گرفته باشد) به پایان آورد. مطلب از این قرار است: بعضی از متخصصان و صاحبان فکر در نتیجه بررسی در مفهوم روانشناختی اطلاع متذکر شده اند که: چنین نیست که اطلاع همیشه نایقینی و نامطمئنی را بر طرف کند و یا کاهش دهد بلکه گاهی بعکس یقین و اطمینان را کاهش می دهد و از میان می برد.

این سخن درست و هوشمندانه است. فرض کنید که شما با اطلاعاتی که تاکنون راجع به یک تاجر بازار یا یک گروه خاص اجتماعی بدست آورده، یقین و اطمینان حاصل کرده اید که آن شخص مردی درستکار، باتقوی، شریف و خیراندیش و آن گروه اجتماعی گروهی خدمتگذار، صدیق و پاکدامن است اما با اطلاعات تازه ای که بدست می آورید ممکن است بتدریج "یقین" و "اطمینان" شما کاهش یابد و یکروز بکلی از میان برود.

همین نکته اهمیت اطلاع و اطلاع رسانی را در جامعه تا حدودی نشان می دهد. بسیاری از کج اندیشیها، "ساده لوحی" ها، لغزشها، گمراهیها، کین تویهای بیجا، شیفتگیهای نابخردانه، تصورات و توهمات بی اساس، ناشی از "بی اطلاعی"، "کم اطلاعی" و عدم دسترسی به اطلاعات درست و واقعی است.

یادداشتها:

(۱) - در سال ۱۹۶۴ در کنگره بین المللی اطلاع رسانی که در رم تشکیل شده بود، ار. اسنل R, Snel سخنان خود را با این جمله به پایان رسانید که: "مهمتر این است که کار عملی کنیم تا اینکه وقت خود را به "نظریه پردازی" بگذرانیم". و این شعار با ابراز احساسات شدید بسیاری از حاضران موجه شد. (نگاه کنید به گزارش این کنگره که توسط H.Krieg تهیه شده است در مجله: [Nachr. Dok. Jg.] 5/1964/S.42-47. با وجود این می توان گفت که در دانش اطلاع رسانی تحقیق در جنبه های نظری مسایل هیچگاه دچار وقفه و رکود اساسی نشده است. بعضی از متخصصان که به جنبه های نظری اطلاع رسانی می پردازند یا بیشتر به آن توجه دارند، غالباً این سخن پرمحتوای کورت لوین Kurt Lewin دانشمند و متفکر نامدار آلمانی (۱۹۴۷-۱۸۹۰) را بازگو می کنند که گفته است: "هیچ چیز عملی تر از یک نظریه خوب نیست".

(۲) - اگر بگوئیم که کار و فعالیت ما اطلاع رسانی است طبیعی خواهد بود اگر بلافاصله این پرسش طرح شود که: "اطلاع چیست که شما آن را می رسانید و انتقال می دهید".

(۳) - مفهوم کلمه اطلاع در طول زمان دستخوش دگرگونیهای فراوان شده است. ما در این مقالات، مفهوم اطلاع را آنچنانکه در دانشها و معارف امروز مطرح است مورد بررسی قرار می دهیم. مفهوم کلمه اطلاع در دوره های مختلف تاریخ یا عبارت دیگر "سرگذشت و تحول واژه اطلاع از قدیمیترین ایام تا امروز" موضوع بررسی جداگانه ای تواند بود و امید است در آتی در فرصتی مناسب به آن پردازیم.

(۴) - بدیهی است که پیشگویی و اطلاع یافتن قبل از وقوع حادثه از بحث کنونی ما خارج است.

(۵) - در زبان فرانسه "انفورماسیون" هم به معنی خبر در اصطلاح وسایل ارتباط جمعی است و هم بمعنی اطلاع خاص. در زبان انگلیسی هم که برای خبر در اصطلاح وسایل ارتباط جمعی news رابه کار می برند باز کلمه Information علاوه بر معنی خاص معنی عام دارد یعنی مساوی news هم می شود.

در زبان آلمانی هم، چنانکه در متن اشاره شد حتی نظریه اطلاعات Informationstheorie را نظریه خیر Nachrihbentheorie نیز می گویند.

(۶) - بعضی از متخصصان نظیر کوبلیتس (به منابع رجوع شود) اصطلاح "اطلاعات علمی" و یا حتی "اطلاعات علمی - فنی" را به کار نمی برند و معتقدند که این اصطلاحات مطلب را بدرستی ادا نمی کنند. آنها اطلاعات علمی را "اطلاعات تخصصی" و اطلاعات غیر علمی را "اطلاعات غیر تخصصی" نامیده اند. البته اینان برای خود دلایل و توضیحاتی دارند که شرح آن از حوصله این مقاله خارج است.

(۷) - نظریه بازیها Games theory - در این نظریه، "بازی" بطور کلی "کشمکشی خواستها و علائق" تعریف می شود. با این تعریف، مسابقات ورزشی، نبردهای نظامی، رقابتهای اقتصادی و بسیاری رقابتهای دیگر در گستره بازی قرار می گیرد. در هر یک از این "بازی"ها هر طرف می خواهد ببرد، می خواهد پیروز شود. و بر طرف دیگر غلبه کند. در دادگاهها نیز "وکیل مدافع" و "دادستان" دو بازیگر

صحنه دادگاه اند. نظریه بازیها میکوشد تا قواعد و اصول کلی بر دو غلبه بر حریف را در بازی بدست دهد. در این نظریه از روشهای معمول در حساب احتمالات و علم آمار استفاده می شود.

۸- چون توضیح این مطلب نیاز به مقدمات بالنسبه مفصلی دارد و خود مطلب نیز دارای اهمیت اساسی نیست و جنبه فرعی دارد، از آن چشم پوشیدیم. علاقمندان می توانند از جمله به منبع زیر رجوع کنند:

Kunz, W.; H. Rittel. Die Informationswissenschaften, ihre Ansätze, Probleme, Methoden und ihre Ausbau in der Bundesrepublik Deutschland. Heidelberg Berkeley 1976

۹- آنچه انان است که Knowledge انگلیسی می رساند. قابل تذکر است که Wissen (das Wissen) آلمانی معنای محدودتری از Knowledge انگلیسی savoir فرانسه دارد و تقریباً معادل همان دانایی مربوط به امور واقع و رویدادها است. بنابراین طبیعی است اگر مفهوم اطلاع برابر مفهوم دانایی، در آلمان و اتریش بیشتر از کشورهای دیگر مورد پذیرش قرار گرفته باشد.

می توان گفت که حوزه معنایی فعل Know در انگلیسی تمام فعل wissem و قسمتی از فعل =Kennen شناختن، آلمانی را در برمیگیرد.

در زبان فارسی، مفهوم "دانایی" به مفهوم Knowledge انگلیسی و savoir فرانسه نزدیکتر است. مفهوم "علم" در عربی نیز مثال "دانایی" فارسی وسیعتر از مفهوم Wissen آلمانی است.

بهر حال بحث در حوزه معنایی و به تبع آن بحث در "نسبیت زبان" یکی از مباحث مهم زبانشناسی امروز و یکی از فصول اساسی "مطالب و تحقیقات در زمینه ترجمه ارزیابی به زبان دیگر" است. در اینجا همین اشاره برای توضیح مطالبی که ما در این مقالات به آن می پردازیم کافی است.

۱۰- بعضی گفته اند که وضعیت مساله ای بعلا ناسازگاری اجراء و عناصر دانایی بوجود می آید که توضیح این مطلب از حوصله این مقاله خارج است.

۱۱- معمولاً نمی توان با منبع و سرچشمه اصلی ارتباط برقرار کرد بلکه با یکی از منابع دست دوم یا چندم است که ارتباط برقرار می شود. این امر، خود مسایلی بوجود می آورد که جای بحث در آن اینجا نیست.

۱۲- معمولاً دو صورت وضعیت مساله ای تا این اندازه "یکطرفه" نیست. یعنی چنین نیست که وضعیت مساله ای یا صددرصد در داخل ارگانسیم حل شود (صورت اول) و یا صددرصد نیازمند "اطلاع" باشد (صورت دوم). این دو صورت غالباً در هم آمیخته است منتهی در موارد مختلف، در صد و نسبت یکی از دو صورت به دیگری متفاوت است. ما در اینجا تنها برای روشن شدن کامل مطلب، به صورتها جنبه یکطرفه داده ایم:

۱۳- از جمله مارون M. E. Maron شریدر A. Shreider، لاورزیگ G. Wersig و دیگران.

۱۴- برای آگاهی بیشتر از جمله نگاه کنید به:

Hormann, H. Psychologie der Sprache. Berlin-Heidelberg-New York 1975.

صفحه ۵۵ به بعد

- Wersig, G.; K.H. Meyer – Uhlenried; Karl – Heinrich. Versuch zur Terminologie

- in der Dokumentation. II. Kommunikation und Information.
Nachr, Dok. Jg 28/1977. S. 199-204

منابع

Ardenne, M,V. Zur gegenwertigen Lage der Informationswissenschaft.
ZIID-Zs, 3/1976. S.94-96

Borko, H. Informationswissenschaft; Was ist das? Nachr,DOK jg
26/1978. S.59-61.

Choney, A. Introduction a l information documentaire , Documentaliste, Paris, Vol. 13,
No.2, Juin 1976.

-Engelbert, Heinz. Wissenschaftliche Informationstatigkeit und Wissinschaftlith
technischer Fortschritt , Informatik, 5/1978, S.41-47

Feitscher, W. Zur Abgrenzung zwischen Information und Documentation.
ZIID.Zs, 3/1977, S,94-95

Hormann, H. Psychologie der Sprache. Berlin Heidelberg - New York, 1975.

Klaus, Georg.; Manfred buhr (Herausgeber) , Philosophisches Worterbch, & Aufl.
2Bande. VEB Verlag Enzyklopadie, Leipzig, 1971.

Koblitz, josef, Der Gegenstand der Informations Und Dokumentations wissenschaft,
Informationswissenschaft und Informatik , Informatik
2/1977. S.12-21,-3/1977.S22,26.

Kunz, W. ; H. Rittel. Die Informationswissenschaften, ihre Ausatze, Probleme,
Methoden und ihre Ausbau in der Bundesrepublik Deutschland, Heidelberg Berkeley
1976.

Laisiepen, Klaus.; Ernst Lutterbeck ; Karl- Heinrich Meyer - Uhlenried. Grundlagen der
Praktischen Information und Dokumentation, Deutsche

Gesellschaft fur Dokumentation (DGD) Frankfurt am Main 1979.

Moles, A.A Concept d information dans Ies sciences Contemporaines. Gauthier Villars,
Paris 1973.

Reball, Siegfriede. Ansätze zu einer semiotischen Informations theorie. Infromatik. 1/77.
S.11-17

Schischkoff, Georgi. Philosophisches Wörterbuch. 19. Aufl. Alfred Kroner Verlag, Stuttgart, 1974. S.715.

Soergel, Dagobert. Dokumentation und Organisation des Wissens. Dunker - Humblot Berlin 1977.

Steinbuch, Karl. Die informierte Gesellschaft, Rowohlt Verlag, Stuttgart 1979.

Thdm, W. Zum Verhältnis von Bewusstsein und Information . Deutsche Zeitschrift für Philosophie. Bd.21.No.4, 1973.

Wersig, Gernot. Information Kommunikation Dokumentation. Verlag Dokumentation, München Pullach und Berlin 1977.

Wersig, Gernot; Meyer- Uhlenried; Karl- Heinrich . Versuche zur Terminologie in der Dokumentation. II: Kommunikation und Information . Nachr. Dok. 28/1977. S.199-204.